

انصارالدين انصاري

آينه پژوهش ۱۹۳
اسال سوسوم، شماره اول،
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۱

درگذشتگان

۲۸۹-۳۱۶

محمدی تاکندی (۱۳۵۲-۱۴۴۳ق)

آقای حاج شیخ علی محمدی تاکندی عالم مشهور قزوین بود. فقید سعید در سال ۱۳۱۲ش (۱۳۵۲ق) در روستای تاکنند از توابع قزوین زاده شد. پدرش ثقة الاسلام حاج شیخ علی اصغر تاکندی فرزند آخوند ملاعلی اکبر، عالم مشهور ناحیه قافازان و تاکستان بود. وی در سال ۱۳۲۶ش به تحصیل علوم دینی روی آورد و ادبیات و سطوح را نزد آیات: شیخ محمود شریعت مهدوی، میرزا رحیم سامت، شیخ مهدی قاضی، شیخ محمد حسین اوپسی و آقابزرگ علوی آموخت. در سال ۱۳۳۳ش رهسپار قم شد و سطوح عالی را نزد آیات: منتظری، مشکینی، سبحانی، مکارم شیرازی، اعتمادی و سلطانی طباطبایی فراگرفت. همزمان در دروس فلسفه و مجالس تفسیر علامه طباطبایی حاضر شد و مبانی علمی اش را استوار کرد. خارج فقه و اصول را در محضر آیات عظام: آقای بروجردی و امام خمینی آغاز کرد. پس از تبعید امام به حلقه درسی آیت الله میرزا هاشم آملی پیوست و سالیان فراوان در حلقه دروس فقه و اصول معظم له حاضر شد و تقریرات دروس وی را نگاهت. این دروس را با آیت الله شیخ محمدکاظم پناه مباحثه می کرد. وی در کنار تحصیل به تبلیغ در شهرها و روستاهای قزوین و انجام خدمات عمرانی و اجتماعی پرداخت. در سال ۱۳۶۱ به زادگاهش بازگشت و به تدریس، تألیف و تبلیغ دین اشتغال ورزید و دو بار از طرف مردم قزوین به نمایندگی مجلس خبرگان رهبری برگزیده شد. او با داشتن پست ها و مناصب مهم علمی و سیاسی، عالمی متواضع، ساده زیست، باصفا و بااخلاص بود و دعوت تمام مردم را برای سخنرانی و منبر می پذیرفت. به تمام روستاهای قزوین می رفت و هیچ ابایی از حضور در میان مردم نداشت. درب خانه اش از بام تا شام به روی فضلا و اقشار مختلف جامعه باز بود و به کار همه رسیدگی می کرد. از سطوح عالی تا خارج فقه و اصول را درس می داد و جلسات درسش در قزوین زبانزد بود. مجلس و منبرش بسیار شیرین و پربار بود. مردم به مجالس و خطابه هایش اقبال فراوان داشتند و مطالبش را برای یکدیگر بازگو می کردند.

آثار چاپی اش عبارتند از:

ایضاح الفتوی فی شرح العروة الوثقی (ج ۱، اجتهاد و تقلید)

نامه روح فزا (شرح عهدنامه مالک اشتر)

خاطرات و حکایات روح فزا (ج ۲)

عسل و مثل (مجموعه ای از ضرب المثل ها)

آن مرحوم در ۸۸ سالگی روز جمعه ۱۶ مهرماه سال ۱۴۰۰ش (اول ربیع الاول ۱۴۴۳ق) چشم از جهان فروبست. پیکرش در روز شنبه پس از تشییع و نماز حجة الاسلام و المسلمین عبدالکریم عابدینی در صحن امامزاده حسین به خاک سپرده شد.

علی اکبر حسنی (۱۴۴۳-۱۳۵۸ق)

آقای حاج شیخ علی اکبر حسنی از فضایی نامی حوزه علمیه قم بود. فقید سعید در اسفندماه سال ۱۳۱۷ش (محرم الحرام ۱۳۵۸ق) در روستای پیرشکوه از توابع لنگرود زاده شد. در پانزده سالگی (۱۳۳۲) به قم آمد و ادبیات و سطوح عالییه را نزد آیات: نوری همدانی، مکارم شیرازی، جعفر سبحانی و سلطانی طباطبایی آموخت. پس از آن در دروس خارج آیات عظام: شیخ عباسعلی شاهرودی، شریعتمداری، امام خمینی و دروس اسفار و تفسیر علامه طباطبایی حاضر شد و بهره های فراوان برد. وی در کنار تحصیل به تدریس، تبلیغ و تألیف نیز اشتغال داشت و به عضویت هیئت تحریریه مجله مکتب اسلام درآمد و در آن مقالات فراوانی نگاشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به تدریس در دانشگاه تهران، مدرسه عالی قضایی، دانشکده سپاه و دانشگاه آزاد اسلامی و تألیف پرداخت و عضویت در کمیته تألیف و اصلاح کتاب های درسی دانشگاه را هم پذیرفت.

آثار چاپی اش عبارتند از:

سازش دین و دانش

اسلام بر سر دوراهی (ترجمه)

شیعه از دیدگاه پیامبر اسلام (ترجمه)

تحلیلی از تاریخ اسلام

نظری به قوانین اسلام

اسلام و سیاست های استعماری

نقش سیاسی و تاریخی فدک (ترجمه: فدک فی التاریخ، شهید صدر)

امام چهارم پاسدار انقلاب خونین کربلا

پدیده های اسرارآمیز

سفری به اعماق وجود انسان

تکوین شخصیت

مجموعه مقالات (در مجله صف و مجله مکتب اسلام)

آن مرحوم در ۸۳ سالگی در روز جمعه ۱۰ دی ماه سال ۱۴۰۰ش (۲۶ جمادی الاولی ۱۴۴۳ق) بدرود حیات گفت. پیکرش در روز یکشنبه ۱۲ دی ماه پس از تشییع و نماز حضرت آیت الله سبحانی در قبرستان علی بن جعفر به خاک سپرده شد.

آیت الله العظمی سبحانی در پیام تسلیت خویش نگاشت:

باسمه تعالی

درگذشت عالم ربّانی حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای حاج شیخ علی اکبر حسنی لنگرودی را با کمال تأسف دریافت نمودم. هر چند در مدت طولانی که در بستر بیماری به سر می برد، به عیادت او می رفتم و تفقد می نمودم. فقیّد سعید از نویسندگان مجله مکتب اسلام و جزو هیئت تحریریه آن و سالیان درازی مقالات او زینت بخش صفحات مجله بود. علاوه بر مقالات آثار علمی دیگری دارد که چاپ و منتشر شده است. این جانب این ضایعه را به حوزه علمیه قم و اساتید بزرگوار، بالخصوص بستگان و بازماندگان آن عزیز تسلیت گفته و برای آن مرحوم رحمت و مغفرت و برای بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل از خداوند متعال خواهانم.

جعفر سبحانی

۱۴۰۰/۱۰/۱۸

مدنی (۱۴۴۳-۱۳۵۰ق)

آقای حاج شیخ محمد مدنی ناشر الاسلام عالم مشهور گناباد بود. فقیّد سعید در سال ۱۳۵۰ق/ ۱۳۱۰ش در روستای خبیری از توابع گناباد زاده شد. مقدمات را نزد پدرش حجت الاسلام حاج شیخ ذبیح الله مدنی آموخت. سپس در سال ۱۳۲۴ش رهسپار مشهد مقدس شد و کتب ادبی، مغنی و مطول را نزد ادیب نیشابوری و شرح لمعه را نزد آیت الله حاج میرزا احمد مدریزدی و سطوح عالیّه را نزد آیات: شیخ هاشم قزوینی و میرزا جواد تهرانی آموخت. پس از آن در سال ۱۳۳۰ رهسپار نجف اشرف شد و دروس عالی فقه و اصول را نزد آیات عظام: شاهرودی، خولی و میرزا حسن بجنوردی فراگرفت و مبانی علمی اش را استوار کرد. در حدود سال ۱۳۴۴ش به زادگاهش بازگشت و با مبارزه پیگیر، دامنه دار و مناظرات روشنگرانه با صوفیان همانند سدی استوار در مقابل تبلیغات انحرافی ایشان ایستاد و بسیاری از مردم را از انحراف عقیدتی نجات داد. همچنین به خدمات علمی، دینی و اجتماعی می پرداخت. از جمله خدمات ایشان عبارت است از: تأسیس مؤسسه خیریه انصارالحجّة، صندوق قرض الحسنه انصارالمهدی، بازسازی حسینیه گناباد، تأسیس استادسرا و ۲۰ واحد مسکونی برای طلاب. وی بیش از نیم قرن رهبری و راهنمایی مردم گناباد را بر عهده داشت. صدیق گرامی جناب آقای محمد عربشاهی می نویسد:

خدا رحمت کند ایشان را! وی از طرف چند مرجع وکالت و صندوق فرض الحسنه و دفتری داشت و ملجأ فقرا و سادات بود و خانواده های متعددی را سالیانی تحت حمایت قرار می داد. حوزه علمیه را نیز تجدید بنا کرد و چند ساختمان برای اساتید و طلاب ساخت. محبوب همه مردم شهر بود. یکی از علت های غیر از خدماتی که داشت این

بود با سن بالایی که داشت مقید بود مراسم و دعوت‌ها را حتماً شرکت کند. چند خاطره هم از ایشان دارم: اول: بنده توفیق داشتم سال ۱۳۹۴ به عنوان استاد سطح دو و سه در حوزه گناباد تدریس کنم. ایشان جلوی طلاب خیلی به بنده احترام می‌گذاشت و تجلیل می‌کرد. هفته اولی که در گناباد مستقر شده بودم، ایشان با سن زیادش گفته بود می‌خواهم برای خوش آمدگویی منزل ایشان بروم و با وجودی که منزلی که مستقر بودم، آپارتمان و بدون آسانسور بود، ایشان به زحمت زیاد تشریف آورد و هنگام خروج نیز یک مرحمتی داد. خاطره دیگر اینکه ایشان خیلی مقید به رعایت احکام و حفظ حرمت ماه مبارک رمضان بود. یک بار برای دیدن ایشان به دفترشان رفتم. وی با توجه به کسالت و سن زیاد نمی‌توانست روزه بگیرد و زمان خوردن قرصش فرارسید. غیر از من و مسئول دفتر کسی نبود. به زحمت و کمک مسئول دفترش پشت پرده رفت و قرص خود را خورد. خاطره دیگر اینکه یکی از صوفی‌ها به من گفت: حاج آقا مدنی نمی‌گذارد ما خدمات شهری برای بیدخت انجام دهیم. می‌خواهیم بیمارستان و آسفالت بسازیم ولی ایشان مانع می‌شود. پیام را به حاج آقا رساندم. ایشان گفت: دارند مظلوم‌نمایی می‌کنند و دروغ می‌گویند. بگو اگر راست می‌گویید من خودم می‌آیم و کلنگش را می‌زنم.

خاطره دیگری که خودشان تعریف می‌کردند این بود که سال‌های اوج انقلاب شعار مردم گناباد این بود: شاه زنازاده است. من می‌گفتم: این شعار خلاف شرع است و شعار دیگری بدهید. بعضی از مردم قبول نمی‌کردند و پشت سر من می‌گفتند: من ضدانقلابم. با اینکه انقلاب در گناباد از منزل من شروع و حمایت می‌شد. بعد از چند وقت دیدن امام رفتم و قضیه را عرض کردم. ایشان فرمودند: حق با شماست و این شعار خلاف شرع است و تعزیر دارد. یادم هست که حاج آقا می‌فرمود: من از کودکی با صوفیه مخالفت می‌کردم و حکومت با توجه به نفوذ بهایی‌ها و تصوف در آنجا، حکم اعدام برای من بریده بودند، اما آیت‌الله میلانی و برخی علما از من حمایت کردند و تبدیل به تبعید شد. الحمدلله تبعیدم مشهود بود و اتفاقاً توفیقاتی برایم داشت؛ چون فرصت خوبی برایم شد و هر روز می‌رفتم کتابخانه آستان قدس و بر علیه صوفیه مطالعه و فیش‌برداری می‌کردم. همچنین می‌فرمود: یک سال دیدن آیت‌الله سیستانی رفتم و فرمودند: کتاب در خانقاه بیدخت چه می‌گذرد؟ شما را خواندم و کتاب قابل استفاده‌ای بود و مطالب خوبی داشت. نیز فرمود: مردم بیدخت تا مدت‌ها مراسم عاشورا و تاسوعا را در مزار سلطان حسین گنابادی برگزار می‌کردند و من مخالفت کردم و گفتم: باید برویم امامزاده و از آن سالی که من مخالفت کردم، دیگر مردم غیرصوفی مراسم را در آنجا برگزار نکردند.

آثار چاپی اش عبارتند از:

در خانقاه بیدخت چه می‌گذرد؟

مسجد و خانقاه

خاطرات ناشرالاسلام گنابادی

وی در ۹۰ سالگی روز یکشنبه ۱۲ دی ماه سال ۱۴۰۰ ش (۲۸ جمادی الاولی ۱۴۴۳ ق) بدرود حیات گفت. پیکرش صبح روز دوشنبه ۱۴ دی ماه پس از تشییع شایسته و نماز امام جمعه گناباد حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ حسن صادقی نسب در حسینیه خویش به خاک سپرده شد.

دفتر آیت الله العظمی صافی در پیام تسلیت خویش نگاشت:

باسمه تعالی

انا لله و انا الیه راجعون

درگذشت عالم ربّانی مرحوم حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ محمد مدنی ناشرالاسلام (رضوان الله تعالی علیه) موجب تأثر و تأسف گردید. عالم بزرگواری که عمر مبارک خود را وقف نشر معارف نورانی اهل بیت و خدمت به مردم و محرومان نمود. آن مرحوم با تألیف آثار ارزنده دینی و اعتقادی در دفاع از کیان مکتب و حفظ مرزهای دینی و همچنین تأسیس مراکز علمی و عام المنفعه خدمات بسیاری نمود که ذخیره جاوید برای آخرت ایشان خواهد بود. این مصیبت را به مردم شریف گناباد و خاندان محترم مدنی به ویژه جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ رضا مدنی و سایر فرزندان و دامادهای مکرم و بستگان محترم تسلیت گفته، علو درجات آن فقید سعید را از خداوند متعال مسألت داریم.

۲۹ جمادی الاولی ۱۴۴۳ ق

محمد محدثی (۱۳۵۰-۱۴۴۳ ق)

آقای حاج شیخ محمد محدثی عالم نامی تایباد بود. آن مرحوم در روز چهارشنبه ۱۴ اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۱ ش (۲۷ ذی الحجه ۱۳۵۰ ق) در روستای ابدال آباد از توابع تربت جام زاده شد. در سال ۱۳۲۷ به مشهد مقدس آمد و ادبیات را از مرحوم ادیب نیشابوری و شرح لمعه و معالم و قوانین را از آیت الله حاج میرزا احمد مدرس یزدی آموخت. سطوح عالیّه را نیز نزد آیات: حاج شیخ هاشم قزوینی و وحید خراسانی، شرح منظومه را نزد آیت الله میرزا جواد تهرانی فراگرفت. پس از آن در دروس خارج آیات عظام: میلانی و وحید خراسانی حاضر شد و بهره های فراوان برد و همزمان به تدریس سطوح و نگارش مقالاتی در مجله ندای حق پرداخت. در سال ۱۳۴۰ به دستور آیت الله العظمی میلانی رهسپار تایباد شد و به تبلیغ دین، ترویج تشیع و رهبری فکری و اجتماعی شیعیان در آن خطّه حساس پرداخت. ایشان حدود ۶۰ سال به خدمات فراوان مانند: تأسیس مسجد، مدرسه، کتابخانه و مدرسه علمیه امام

صادق (ع) و نیز تدریس علوم دینی، سخنرانی در شهرها و روستاها و رسیدگی به نیازمندان اشتغال داشت که ثمره آن ایجاد الفت و محبت بین شیعه و سنی بود. در شهریورماه سال ۱۳۶۹ به امامت جمعه تایباد برگزیده شد. درایت و کفایت شان موجب شده بود تا مردم ایشان را همچون پدری مهربان بدانند.

از وی کتابی به نام بوستان دوستان و دیوان اشعار بر جای مانده است.

آن مرحوم در حدود ۹۰ سالگی در روز دوشنبه ۱۲ دی ماه سال ۱۴۰۰ (آخر جمادی الاولی ۱۴۴۳ق) در مشهد مقدس بدرود حیات گفت. پیکرش پس از تشییع و نماز آیت الله سیداحمد علم الهدی به تایباد انتقال یافت و در روز پنجشنبه پس از تشییع باشکوه و با حضور مردم، مسئولان و مدیران شهرهای: تایباد، تربت جام، خواف و باخرز در صحن مدرسه علمیه امام صادق (ع) به خاک سپرده شد.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی در سوگش چنین نگاشت:

باسمه تعالی

خبر ناگوار ارتحال حضرت حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد محدثی (ع) موجب نهایت تأسف و تأثر گردید. این عالم ربّانی در طول عمر پربرکت خویش در تایباد با ساخت حوزه های علمیه به تربیت طلاب دینی اهتمام ورزید و منشأ آثار و خدمات فراوانی در آن منطقه شد. همچنین با اقامه نماز جمعه، وحدت میان شیعه و اهل سنت را تقویت نمود. اینجانب این ضایعه مؤلمه را به حوزه علمیه و مردم تایباد و تمامی اهالی آن منطقه و دوستان و بستگان آن بیت شریف صمیمانه تسلیت می گویم و علو درجات برای او و صبر و اجر برای بازماندگان را از خداوند منان خواستارم.

ترسلی کاشانی (۱۳۴۱-۱۴۴۳ق)

آقای حاج شیخ حسن ترسلی کاشانی از علمای مشهد مقدس بود. فقیه سعید در سال ۱۳۰۱ش (۱۳۴۱ق) در کاشان زاده شد و برای تحصیل علوم دینی به اصفهان رفت. ادبیات را نزد استاد شیخ محمد علی معلم حبیب آبادی آموخت. سپس به سامرا رفت و ادبیات را در آنجا تکمیل کرد. سپس در سال ۱۳۶۶ق به مشهد مقدس رفت و شرح لمعه و قوانین را از آیت الله حاج میرزا احمد مدرس یزدی و سطوح را از آیات: شیخ مجتبی قزوینی و شیخ هاشم قزوینی آموخت. همچنین بحث های کلامی را از آیات: شیخ علی اکبر صدرزاده، شیخ حسنعلی مروارید و میرزا جواد تهرانی و خارج فقه و اصول را از حضرات آیات: شیخ محمدرضا کلباسی و مروارید فراگت و به کمال علم و عمل نائل آمد. تمام عمر پربار ایشان به تدریس، تألیف، زهد و عبادت سپری شد.

آثار چاپی اش عبارتند از:
عقاید شیعه در دین و توحید
معاد از نظر قرآن و روایات
صراط الیقین در کلام پیشوای متقیان
مجموعه ارشاد
مواظب الانبیا (۴ ج)
مجمع الصلوات
توضیح مشکلات شرح لمعه

آن مرحوم در حدود ۱۰۰ سالگی در روز یکشنبه ۲۶ دی ماه سال ۱۴۰۰ ش (۱۳ جمادی الثانی ۱۴۴۳) بدرود حیات گفت. پیکرش پس از تشییع در روز دوشنبه ۲۷ دی ماه و نماز آیت الله سید جعفر سیدان در رواق حضرت زهرا (س) در حرم امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

صافی گلپایگانی (۱۳۳۷-۱۴۴۳ق)

آیت الله آقای حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی از مراجع تقلید جهان تشیع و از علمای نامی عالم اسلام بود که آوازه خدماتش به ساحت دین و مذهب از کران تا کران جهان طنین افکن است. فقید سعید در روز پنجشنبه ۱۹ جمادی الاولی سال ۱۳۳۷ق (۳۰ بهمن ۱۲۹۷ش) در گلپایگان در مهد علم و فضیلت زاده شد. پدر بزرگوارش آیت الله ملامحمد جواد صافی (۱۳۷۸ق) و مادرش صبیه آیت الله ملامحمد علی گلپایگانی از شاگردان آیت الله سید حسن مدرس و هم بحث میرزای شیرازی بوده است. فقید سعید ادبیات را نزد دایی اش آخوند ملامحمد علی قطب و سطوح را نزد والدش فراگرفت. در سال ۱۳۶۰ راهی قم شد و در دروس آیات عظام: حجت کوهکمری، صدرالدین صدر و سید محمد تقی خوانساری حاضر شد. با ورود آیت الله العظمی بروجردی به ایشان پیوست و مورد اعتماد و جزء هیئت استفتا و مشاوران مخصوص معظم له قرار گرفت. به دستور و راهنمایی ایشان چندین کتاب، به ویژه کتاب منتخب الاثر را تألیف کرد. وی در این زمان به تدریس، تألیف و تبلیغ دین پرداخت و نامش در زمره اساتید و فضلاء معروف حوزه درآمد. در سال ۱۳۶۴ق به نجف اشرف رفت و در اقامت یک ساله خویش در دروس آیات عظام: سید جمال الدین گلپایگانی، شیخ محمد کاظم شیرازی و شیخ محمد علی کاظمینی شرکت کرد و مورد توجه آنان قرار گرفت. در سال ۱۳۷۵ق از استادش آیت الله سید جمال الدین گلپایگانی به دریافت اجازه اجتهاد نائل شد. وظایف و کارهای او با مرجعیت فراگیر ابوالزوجه اش آیت الله العظمی گلپایگانی گسترده تر شد. پس از پیروزی

انقلاب اسلامی از سوی امام خمینی به عضویت شورای نگهبان و از سوی مردم قم به عضویت مجلس خبرگان قانون اساسی درآمد. با وفات آیت الله گلپایگانی مرجعیت شیعه بر عهده اش قرار گرفت و در ۲۸ سال زعامت و مرجعیت خویش خدمات بزرگی برای شهر قم و حوزه های تشیع انجام داد. ساختن بنای عظیم مسجد امام حسن عسکری، اداره مؤسسات آیت الله گلپایگانی (مسجد، مدرسه، کتابخانه، دارالقرآن، مجمع فقهی و مجمع اسلامی لندن)، تأسیس مؤسسه تبلیغ دارالزهرا، اعزام صدها مبلغ دینی به اطراف کشور، رسیدگی به امور شیعیان جهان، تألیف، تدریس، دیدارهای روزانه با مردم و مسئولین کشور و تذکرات ناصحانه و خیرخواهانه به آنان و جلوگیری از منهیات و کارهای خلاف شرع برخی از خدمات ایشان است. وی همانند نگاهبانی هوشیار با چشمانی بیدار مراقب تمام حرکات دشمنان دین و مذهب بود و با فریادی رسا از تحرکات و تعرضات آنان جلوگیری می کرد. در تذکره رعایت حقوق، منافع و رفاه مردم و عمل به قانون هیچ گاه مداهنه نمی کرد. تواضع، زهد و پارسایی، حافظه قوی، ذوق سرشار، شیفتگی و شیدایی نسبت به اهل بیت عصمت (ع) و احاطه اش بر اشعار عربی و فارسی و تاریخ معاصر از گفتار شیرین و رفتارش نمایان بود. او از نخستین کسانی بود که در برابر خطوط و افکار انحرافی موضع می گرفت و کتاب می نوشت و روشنگری می کرد. استاد رسول جعفریان می نویسد:

۱. آیت الله صافی آینه تمام نمای تاریخ روحانیت در صد سال اخیر است. خاندانی اصیل که همه تجربه های روحانیت را در دوره پس از مشروطه، دوره رضاشاه، پسرش محمدرضا و عصر انقلاب اسلامی پشت سر گذاشته است. وی در این تجربه ها درگیر بود و به خوبی آنها را به خاطر داشت و از آنها عبرت گرفت. همواره با ایده روشن و استوار از کنار آن تحولات عبور کرد و به هیچ روی خود را تسلیم فضاهای تهدید یا تطمیع نکرده، دامنش را آلوده نساخت و با نجابت سیاسی زندگی کرد. عمر طولانی همراه با حافظه ای سرشار و بسیار نیرومند و احساس مسئولیت و حساسیت وافر نسبت به آنچه در سطح عمومی و فکری جامعه می گذشت، زندگی ایشان را به آینه تمام نمای تاریخ روحانیت در طول این صد سال به تصویر کشید و یک اسوه از آن عرضه کرد.

۲. تمام حیات و زندگی علمی آیت الله صافی گلپایگانی از نظر تعلیم و تربیتی که روحانیت به صورت یک سنت اصیل و کهن داشت سپری شد. ایشان در دانش فقه و اصول، همزمان از نظر تحصیل، تدریس و نگارش، آن هم در سطحی بسیار عالی و شاخص، از سرآمدان و مراجع شناخته شده شیعه بود. با این حال تفاوتی آشکار با بسیاری از هم طرازان خود داشت. او از آغاز اهل مطالعه همه گونه آثاری بود که در اطرافش انتشار می یافت؛ نه فقط اهل مطالعه دقیق و کامل کتاب ها که اهل نظر و تأمل و نقد در آنها هم بود. یک خاطره شخصی دارم. زمانی از ایشان درباره مجله همایون که در سال ۱۳۱۳ش در قم منتشر می شد سؤال کردم. ایشان فرمودند: آن وقت در گلپایگان آن مجله را مطالعه

می‌کرده و نامه‌ای انتقادی هم برای آن نوشته که از سرنوشت آن بی‌خبر است. با مراجعه به مجله همایون و بخش انتهایی آن، اثری از نامه را یافتیم. این زمانی است که ایشان تنها ۱۶ سال داشته است. همه کسانی که اندکی ارتباط با ایشان داشتند، می‌دانستند اهل مطالعه جدی بودند و این روحیه را در حد بسیار عالی تا آخرین روزهای زندگی داشتند. نه فقط کتاب‌ها و مقالات را می‌خواندند، بلکه آنچه را صلاح می‌دانستند در باب محتوای کتاب، از تشکر یا تذکر، به صاحب نوشته اطلاع می‌دادند. در این زمینه به‌ویژه اهل تشکر بودند و از نوشته‌ای که خوششان می‌آمد، به هر نحوی بود به صاحب آن اطلاع می‌دادند. حضور ایشان در اخبار روز و آنچه در فضای مجازی منتشر می‌شد، به صورتی اعجاب‌آور بود و در بسیاری از مواقع، پیش و بیش از بسیاری از همگنان خویش از تحولات آگاه بودند و موضع می‌گرفتند. خاطرمان هست که یک بار از یک قاضی در یکی از کشورهای اروپایی که حکمی در دفاع از حجاب زنی داده بود تشکر کرد.

۳. و اما در امر تفاوت با دیگران، ایشان صرفاً در حوزه فقه و اصول نماند، بلکه اهل تألیف و نگارش در حوزه‌های مختلف فکری که مربوط به کارهایشان می‌شد بودند. بخش قابل توجهی از گرایش ایشان در نوشتن، نقد افکار و اندیشه‌هایی بود که به حریم تشیع آسیب می‌زد. در حوزه مهدویت با نگارش کتاب ممتاز منتخب الاثر و به طور کلی در بحث دفاع از تشیع، با نگارش کتاب مع الخطیب فی خطوطه العریضه قبل از چندین دهه و با تألیف چندین اثر دیگر، بخش قابل توجهی از فعالیت‌های علمی را به این مسئله اختصاص داد. در واقع نسبت به انتشار مسائلی که آنها را انحراف فکری می‌دانست، بی‌طرف نبود و مرتب می‌نوشت و یادآوری می‌کرد. در ادب نگارش بسیار مؤدبانه و آرام می‌نوشت. به هیچ روی به کسی توهین نمی‌کرد. گاهی نقدی می‌نوشت، اما حتی اسم شخص را که از او انتقاد کرده بود، به میان نمی‌آورد و محتوای آثار او را در صدها صفحه نقد می‌کرد. خودشان می‌گویند که در این زمینه، یعنی دفاع از تشیع به توصیه‌های مرحوم آیت‌الله بروجردی عمل کرده‌اند.

۴. آقای صافی از نظر سیاست دینی رویه‌ای در ادامه فعالیت‌های آیت‌الله العظمی گلپایگانی داشت. خط آن مرجع در تمام دورانی که به مرجعیت اشتغال داشت، یعنی از زمانی پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی، همزمان بر اساس نوعی واقع‌بینی سیاسی با ملاحظات خاص نسبت به مکتب تشیع بود. استقلال روحانیت و مرجعیت برای این دو بزرگوار، آقای گلپایگانی و آقای صافی، یک شرط اساسی و اصلی بود، اما معنای آن جدا شدن از سیاست و انزوا نبود. هر زمانی که لازم بود، با رعایت احتیاط تمام در سیر تحولات حضور داشت. ما می‌دانیم مراجعی بودند که پس از همراهی با نهضت اسلامی، به تدریج و به دلایلی که هم آنها برای آقای گلپایگانی و آقای صافی هم مهم بود، از نهضت جدا شدند، اما خط این دو بزرگوار، هم پیش و هم پس از انقلاب در مسیر همراهی با مردم و ماندن در متن تحولات همراه با نظارت و انتقاد بود. هیچ‌گاه به طور در بست در اختیار کسی قرار نگرفتند و همواره نامه و گفته‌های اعتراضی و انتقادی خود را داشتند. در تمام دوره حیات مرجعیتی آیت‌الله گلپایگانی،

جناب آقای صافی یار و یاور ایشان بود و مشاوره ایشان نقش اول را داشت. به توصیه ایشان در مجلس خبرگان قانون اساسی و برای سال‌ها در شورای نگهبان فعالیت کرد و پس از آن نیز به رغم بی‌توجهی برخی از محافل حوزوی که طالب مرجعیت ایشان نبودند و به دیگران پرداختند، با آرامش تمام به فعالیت‌های علمی و مرجعیتی خویش ادامه داد. ایشان همواره و تا آخرین لحظه مدافع استقلال روحانیت به مثابه نیرویی دینی و تأثیرگذار در کنار مردم بود. البته که هیچ‌گاه سرانقلابی‌گری و شورش با کسی را نداشت و بر اساس همان روشی که در تمام عمر داشتند و حتی پیش از آن خانواده پدری و سپس آیت‌الله گلپایگانی در پیش گرفته بودند، مسیر را دنبال کرد.

برخی از آثار چاپی اش عبارتند از:

قرآن

القرآن مصون من التحریف

تفسیر آیه التطهیر

تفسیر آیه الانذار

تفسیر آیه فطرت

پیام‌های قرآنی

حدیث

منتخب الاثر فی الإمام الثانی عشر (۳ ج)

قبس من مناقب الإمام امیرالمؤمنین (ع)

پرتوی از فضائل امیرالمؤمنین (ع) در حدیث

احادیث الائمة الاثنی عشر، اسنادها و الفاظها

فقه

هدایة العباد (۲ ج)

هدایة السائل

جامع الاحکام (۲ ج)

پاسخ کوتاه به ۳۰۰ پرسش (۲ ج)

توضیح المسائل

منتخب الاحکام

احکام نوجوانان

مناسک حج

مناسک عمره مفرده
هزارسال پیرامون حج
فقه الحج (۴ ج)
فقه الخمس
أحكام خمس
الحواشي على العروة الوثقى
استفتائات پزشکی
استفتائات قضایی
آیین قضاوت در اسلام
القول الفاخر في صلاة المسافر
اوقات الصلاة
التعزیر، احكامه و ملحقاته
ضرورة وجود الحكومة
حكم نكول المدعى عليه عن اليمين
إرث الزوجة
رسالة في المسائل المستحدثة
الرسائل الخمس
الرسائل الفقهية من فقه الامامية
الاتقان في أحكام الخلل والقرآن

اصول

بيان الاصول (۳ ج)
رسالة في الشهرة
رسالة في حكم الاقل و الأكثر في الشبهة الحكمية

عقاید

جلاء البصر لمن يتولى الائمة الاثنى عشر
مع الخطيب في خطوطه العريضة
حديث افتراق المسلمين على ثلاث و سبعين فرقة
امان الأمة من الضلال و الاختلاف
من لهذا العالم؟

صوت الحق و دعوة الصدق
لمحات في الكتاب والحديث والمذهب
النقود اللطيفة على الكتاب المسمى بالاختبار الدخلية
پرتوی از معارف اسلام (نقد کتاب های دکتر شریعتی)
شهید آگاه (نقد کتاب شهید جاوید)
الهیات در نهج البلاغه
به سوی آفریدگار
معارف دین (۳ ج)
نگرشی بر فلسفه و عرفان
امامت و هدایت
نظام امامت و رهبری
نوید امن و امان
فروغ ولایت در دعای ندبه
امامت و مهدویت (۳ ج)
گفتمان مهدویت
گفتمان عاشورایی
رمضان در تاریخ
عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق یا ماه مبارک رمضان
با جوانان
دیدارها و رهنمودها
دیوان اشعار

و ده ها کتاب دیگر در موضوعات: تاریخ و تراجم، شعر و ادب، امامت و مهدویت.

سرانجام آن فقیه بزرگ در ۱۰۳ سالگی سحرگاه روز سه شنبه ۱۲ بهمن ماه سال ۱۴۰۰ ش (۲۹ جمادی الثانی ۱۴۴۳ق) بدرود حیات گفت. پیکر ایشان پس از تشییع باشکوه و شرکت ده ها هزار نفر و نماز دامادش آیت الله حاج شیخ علی کریمی جهرمی به کربلا منتقل و در صحن حرم امام حسین (ع) به خاک سپرده شد. صدها پیام، خطابه، مقاله و شعر از سوی ارادتمندان ایشان به رشته تحریر درآمد و سه روز عزای عمومی اعلام شد.

مقام معظم رهبری در پیام تسلیت خویش فرمود:

بسم الله الرحمن الرحيم

با تأسف خیر درگذشت فقیه عالی مقام و مرجع بصیر، حضرت آیت الله آقای حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی (رض) را دریافت کردم. ایشان از استوانه های حوزه علمیه قم و از برجستگان علمی و عملی و پرايقه ترين عالم دينی در آن حوزه مبارک بودند. در دوران مرحوم آیت الله بروجردی در شمار برترین تلامذه آن استاد بزرگ، در زمان مرحوم آیت الله سيد محمد رضا گلپایگانی همراه و مشاور علمی و عملی ایشان و در دوران انقلاب، امين و مورد اعتماد حضرت امام خمینی (ره) به شمار می رفتند. سال ها در شورای نگهبان رکن اصلی آن شورا محسوب می شدند و پس از آن هم همواره درباره مسائل انقلاب و کشور دلسوزانه و مسئولانه ورود می کردند و بارها اینجانب را از نظرات و مشورت های خود مطلع و بهره مند می ساختند. قریحه شعری، حافظه تاریخی، پرداختن به مسائل اجتماعی از دیگر ابعاد شخصیت این عالم کهنسال و بزرگوار بود. رحلت ایشان برای جامعه علمی دینی کشور مایه تأسف است. اینجانب به خاندان مکرم و فرزندان گرامی ایشان و نیز به مراجع معظم و علمای اعلام حوزه علمیه و مقلدان و ارادتمندان ایشان به ویژه در قم و گلپایگان تسلیت عرض می کنم و رحمت و مغفرت الهی را برای ایشان مسألت می نمایم.

سید علی خامنه ای

۱۴۰۰/۱۱/۱۲

آیت الله العظمی مکارم شیرازی نوشتند:

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

خبر بسیار تأسف بار رحلت عالم ربانی شیخ الفقهاء آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (ق) موجب نهایت تأسف و تأثر گردید. آن مرد بزرگ که از برجسته ترین شاگردان آیت الله العظمی بروجردی (ق) و یکی از برترین فقهای عصر ما بود. آثار فراوانی در عرصه های مختلف از جمله کتب فقهی و کلامی و مبارزه با فرقه های منحرف و احداث و تجدید بناهای مذهبی همچون مسجد عظیم امام حسن عسکری (س) را از خود به یادگار گذاشت.

حضور مؤثر وی در عرصه های مختلف اجتماعی همچون مبارزات بارزیم سابق و عضویت در مجلس خبرگان قانون اساسی و شورای نگهبان منشأ برکات زیادی برای اسلام و انقلاب بود. ضایعه رحلت این فقیه دلسوخته ی حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) را به محضر مقدس آن حضرت تسلیت عرض نموده و همچنین به حوزه های علمیه و مراجع عظام تقلید، عموم شیعیان و مقلدان و علاقمندان و خصوصاً بیت معظم و فرزندان مکرم ایشان تسلیت عرض می نمایم و از خداوند متعال حشر او را با اولیاء مقربینش خواستارم و از درگاهش برای بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل طلب می نمایم.

سید محمد علی علوی گرگانی (۱۳۵۸-۱۴۴۳ق)

آیت الله آقای حاج سید محمد علی علوی گرگانی یکی از مراجع تقلید حوزه علمیه قم بود. فقید سعید در روز دوشنبه ۲۰ جمادی الثانی سال ۱۳۵۸ق (۱۵ مردادماه ۱۳۱۸ش) در نجف اشرف در بیت علم و فضیلت زاده شد. پدرش آیت الله آقای حاج سید سجاد علوی (م ۱۴۰۷ق) شخصیت نامی مازندران و از شاگردان آیات عظام: حاج شیخ عبدالکریم حائری، سید ابوالحسن اصفهانی، میرزای نائینی، غروی اصفهانی و آقاضیاء عراقی بود که نام و خاطره اش در اذهان مردم گرگان جاودانه است. وی در کودکی همراه پدرش به گرگان رفت. در اوان نوجوانی نزد پدر بزرگوارش حاشیه و ادبیات (معنی و مطول) و شرح منظومه را آموخت. در سال ۱۳۳۳ش به قم آمد و معالم را نزد حاج شیخ حسین معماریان (محقق قمی)، تتمه مطول را نزد استاد اعتمادی، شرح لمعه را نزد استاد ستوده و سطوح عالییه را نزد آیات: مکارم شیرازی، نوری همدانی، مجاهدی تبریزی و سلطانی طباطبایی و اسفار و تفسیر را نزد علامه طباطبایی آموخت. در ۱۸ سالگی در دروس خارج آیات عظام: بروجردی، حاج شیخ عباسعلی شاهرودی، امام خمینی (۸ سال)، محقق داماد (۱۲ سال)، گلپایگانی، اراکی و حاج آقا مرتضی حائری (۱۵ سال) حاضر شد و تقریرات آنها را در کمال دقت و پاکیزگی نگاشت. همزمان به تدریس ادبیات، معالم، قوانین، شرح لمعه و سطوح عالییه پرداخت. دروس وی از معروف ترین دروس شرح لمعه و سطوح عالییه بود. مرحوم استاد شریف رازی می نویسد:

حجة الاسلام آقای حاج سید محمد علی بن العلامة البارح الحاج السید سجاد علوی گرگانی از فضیله مدرسین و اساتید سطوح عالی حوزه علمیه است که به زیور علم و تقوی آراسته و به متانت و بزرگواری پیراسته است.

آیت الله حاج آقا مرتضی حائری هم از او به حضرت مستطاب، سید العلماء العالمین و حجت الاسلام والمسلمین، صاحب الاخلاق الکریمه والعلم الغزیر والتقی والصلاح والسداد، جناب آقای حاج سید محمد علی علوی گرگانی (دامت توفیقاته و برکاته) تعبیر کرده است.

ایشان حدود ۷ سال در ایام تعطیلات تابستانی حوزه علمیه قم به نجف اشرف می رفت و در درس های آیات عظام: خویی، شاهرودی، میرزا باقر زنجانی و امام خمینی شرکت می کرد. یکبار با سخن گفتن در درس آیت الله خویی مورد تقدیر و تشویق معظم له قرار گرفت. وی حدود ۷۰ سال در ماه های محرم و رمضان و نیز تعطیلات نوروز برای تبلیغ دین به زادگاهش می رفت. حتی در زمان مرجعیتش هم در مسجد جامع گرگان به اقامه جماعت و منبر و تفسیر قرآن می پرداخت. شب های رمضان هم به مساجد مختلف شهرستان سر می زد و از قرآن برایشان می گفت و نفس قدسی او فضای شهر را عطر آگین می کرد. او در ایام تحصیلی حوزه هم به مدت ۲۰ سال در روزهای پنجشنبه و جمعه به تهران می رفت و در هیئت محترم وحدت فاطمیه (خیابان ۱۷ شهریور جنوبی) به تبلیغ دین می پرداخت.

در سال ۱۴۰۵ق به تدریس خارج فقه و اصول روی آورد و صدها نفر از فضیله‌ی حوزه از جمله حقیرو برادرم حاج شیخ محمد حسن انصاری از علومش بهره‌مند شدند. در سال ۱۴۱۳ق (۱۳۷۱ش) رساله عملیه‌اش چاپ و رفته‌رفته بر دامنه مرجعیتش افزوده شد. پس از آن رساله‌های متعدد فتوایی‌اش به چاپ رسید، اما کوچک‌ترین تغییری در حالات و اخلاق وی رخ نداد.

اخلاق او در سنین کهنسالی و در کسوت مرجعیت با ایام جوانی و طلبگی‌اش فرقی نداشت. روحی لطیف، لبی خندان، طبعی کریم و دستی بخشنده داشت. تواضع، تبسم، تقید به مستحبات و پرهیز از مکروهات، صله رحم، عیادت از بیماران، شرکت در مجالس و فواتح مؤمنان، تقید به نوافل روزانه و شبانه و ادعیه، اقامه جماعت (سه وعده) و رسیدگی به مستمندان و نیازمندان سیره مستمره او بود. وی از اول تکلیف تا آخرین روزهای زندگی‌اش تهجد و نماز شبش ترک نشد. نماز خود را (مأموماً و اماماً) به جماعت می‌خواند و هر روز (صبح و ظهر) صف جماعت در خانه‌اش و شب‌ها در دفترش برقرار می‌شد. در زمان رژیم شاه فرزندان خود را به مدرسه نفرستاد و خود متکفل آموزش آنان شد و پس از پیروزی انقلاب هم در خدمت امام و نظام بود. در دوران جنگ چند بار درس‌هایش را تعطیل کرد و به جبهه‌های نبرد شتافت. همچنین با قبول عضویت در دادگاه عالی قم موجب رفع حکم اعدام و تخفیف مجازات ده‌ها نفر شد.

بنیاد چند مسجد و درمانگاه در روستاهای گرگان از جمله مسجد اعظم و درمانگاه روستای النگ، تجدید بنای بخشی از مسجد جامع گرگان، حسینیه سیدالشهدا (مهدی شهر سمنان)، صندوق قرض الحسنه وحدت فاطمیه (خیابان هفده شهریور) و وقف ده‌ها نسخه نفیس خطی، چاپ سنگی و سربی به کتابخانه آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) از جمله خدمات ماندگار ایشان است.

فرزندانش حجج اسلام آقایان: سید محمد، سید محمد مهدی، سید محمود و سید محسن (نوادگان دختری حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد علی انصاری قمی) ادامه‌دهنده راه وی هستند.

آثار چاپی‌اش عبارتند از:

المناظر الناضرة في أحكام العترة الطاهرة (۱۷ ج، بحث‌های: طهارت و صلاة)

لثالی الاصول (۱۰ ج)

نورالهدی في التعليق على العروة الوثقی

التعليقة على تحرير الوسيلة (۲ ج)

توضیح المسائل (به اردو ترجمه شده است)

مناسک حج (به اردو ترجمه شده است)

استفتائات و مناسک و ادعیه حج

اجوبة المسائل (۲ ج)

منهج الصالحين

منهج الناسكين

احكام جوانان

احكام بانوان

احكام كسب و كار

احكام خمس

انوار اخلاقی (۳ ج، شرح وصایای پیامبر اکرم (ص) به امیرالمؤمنین (ع) و ابوذر غفاری و عبدالله بن مسعود)

گلچینی از درس های اخلاق

پیام ها و بیانیه ها

قلائد الدرر في قاعدة لا ضرر (تقریر درس آیت الله محقق داماد)

کلید سعادت (احکام و استفتائات و نصایح اخلاقی، ویژه بانوان)

روزه، سپر مؤمن

آثار مخطوطش که آنها را دیده ام عبارتند از:

تقریرات درس آیت الله العظمی بروجردی (بحث: طهارت و خمس و قضاء)

تقریرات درس فقه آیت الله محقق داماد (بحث: صلاة و حج (دوره کامل)

تقریرات درس فقه آیت الله حاج آقا مرتضی حائری (بحث: طهارت و صلاة المسافر و خمس)

تقریرات درس فقه آیت الله اراکی (صلاة الجمعة)

تقریرات درس اصول امام خمینی (به نام: مشکاة الأصول. از مقدمه واجب تا آخر قطع و ظن)

تقریرات درس اصول آیت الله محقق داماد (به نام: سراج الأصول. از بحث اقل و اکثر تا پایان تعادل و

تراجیح)

تقریرات درس آیت الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی (طهارت)

المناظر الناضرة (مجلدات باقیمانده (۱۳ ج)، بحث های: تتمه صلاة، زکات، خمس و صوم)

كشف الغاشية عن وجه الحاشية (شرحی بر حاشیه ملا عبدالله، نوشته شده در ۱۶ سالگی مؤلف)

تعلیقه بر وسیلة النجاة

تعلیقه بر منهاج الصالحين

منتخب الآثار من اخبار الائمة الاطهار (۲ ج)

معظم له پس یک ماه تحمل رنج بیماری در ۸۲ سالگی در روز سه شنبه ۲۴ اسفندماه سال ۱۴۰۰ ش (۱۲ شعبان ۱۴۴۳ ق) بدرود حیات گفت. با اعلام خبر وفاتش دروس حوزه های علمیه قم و نجف در روز چهارشنبه تعطیل و در استان های قم و گلستان سه روز عزای عمومی اعلام شد. پیکرش صبح

روز چهارشنبه با حضور قاطبه مردم در گرگان و صبح روز پنجشنبه با حضور صدها هزار نفر در قم تشییع و پس از نماز آیت الله العظمی نوری همدانی بر آن، در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد. پیام‌های تسلیت فراوان از سوی مراجع عظام تقلید و مقامات سیاسی نظام و کشورهای دیگر صادر شد. مقام معظم رهبری در پیام تسلیت خویش نوشت:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رحلت عالم ربانی آیه الله آقای حاج سید محمدعلی علوی گرگانی (رض) را به حوزه‌ی علمیه قم و به همه شاگردان و ارادتمندان و مقلدان ایشان بخصوص به مردم مؤمن گلستان که ارادت ویژه به این بزرگوار و والد محترمشان مرحوم آیه الله آقای حاج سید سجاد علوی داشتند و بالأخص به خاندان گرامی و فرزندان مکرمشان تسلیت عرض می‌کنم. این مرجع معظم در قضایای گوناگون انقلاب و مسائل کشور همواره وفادارانه در کنار مردم و پشتیبان نظام مقدس بودند و خدمات ارزشمندی کرده‌اند که موجب فیض و رحمت الهی است، انشاء الله! از خداوند متعال علو درجات ایشان را مسألت می‌کنم و امیدوارم با اجداد طاهری‌شان محشور گردند.

سیدعلی خامنه‌ای

۲۴ اسفند ۱۴۰۰

آیت الله العظمی سیستانی هم فرمودند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای سید محمدعلوی گرگانی دامت تأییداته

السلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

ضایعه ارتحال والد مکرم جناب آیت الله آقای سید محمدعلی علوی گرگانی (رض) را به جنابعالی و آقایان اخوان و دیگر بستگان و علاقمندان محترم آن بزرگوار تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن مرحوم علو درجات و برای عموم بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل مسألت دارم. وَلَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

۱۱ شعبان المعظم ۱۴۴۳ هجری قمری

علی حسینی سیستانی

محمد جواد امین عاملی (۱۴۴۳-۱۳۶۵ق)

آقای حاج سید محمد جواد امین عاملی عالم مشهور شهر بازوریه در جنوب لبنان بود. وی در سال ۱۳۶۵ق (۱۳۲۵ش/۱۹۴۵م)، در شقراء، در بیت علم و فضیلت زاده شد. پدرش حجت الاسلام و المسلمین سید جواد امین (م ۱۳۸۰ق) از فضلاء نجف و عالم شهر دیوانیه بود که در راه زیارت کربلا دچار حادثه شد و جان سپرد. وی در نوجوانی تحصیل سطوح عالییه را در نجف اشرف نزد آیات: سید کاظم حائری، شیخ محمد تقی ایروانی و شیخ محمد تقی جواهری به پایان رساند. پس از آن در درس آیات عظام: آقای خویی، سید محمد روحانی، سید نصرالله مستنبط و شهید سید محمد باقر صدر حاضر شد و بهره های فراوان برد. علاوه بر آن به تدریس و تبلیغ دین در روستاهای دیوانیه پرداخت. در سال ۱۳۸۱م/۱۴۰۱ق به لبنان بازگشت و در شهر بازوریه مستقر شد و به اقامه جمعه و جماعت، تدریس و ارشاد مؤمنان پرداخت.

وی در ۷۵ سالگی در روز دوشنبه ۲۰ دی ماه ۱۴۰۰ش (۷ جمادی الثانی ۱۴۴۳ق / ۱۰ ژانویه ۲۰۲۲م) بدرود حیات گفت و پیکرش پس از نماز آیت الله سید محمد علی امین در قبرستان عمومی شقراء به خاک سپرده شد.

حاتم مصطفی اسماعیل (۱۴۴۳-۱۳۷۸ق)

آقای حاج شیخ حاتم مصطفی اسماعیل از علمای نامی دیرقانون بود. وی در روز پنجشنبه ۲۴ شعبان ۱۳۷۸ق (۵ مارس ۱۹۵۹م/ ۱۴ اسفندماه ۱۳۳۷ش) در دیرقانون زاده شد. جد پدری اش شیخ علی اسماعیل و جد مادری اش سید محمد مرتضی و دایی اش علامه سید مصطفی مرتضی بود. وی در سال ۱۳۵۸ش برای تحصیل علوم دینی به قم آمد و در درس حضرات آیات: سید محمود هاشمی شاهرودی، سید احمد مددی، شیخ مصطفی هرنندی، سید محمد رضا جلالی و پسر دایی اش سید جعفر مرتضی شرکت کرد. درس خارج را نزد آیت الله سید ابوالقاسم کوکبی آموخت و همزمان به تدریس و تألیف پرداخت. به دلیل بیماری پدرش در سال ۱۳۷۰ش به لبنان بازگشت و به تحصیل نزد آیت الله شیخ مفید فقیه، تدریس در حوزه امام علی (ع) در بیروت، تألیف، تبلیغ، ارتباط با جوانان و شرکت در مؤتمرات و جلسات علمی پرداخت. وی به زبان های عربی، فارسی، انگلیسی و فرانسه مسلط بود و با همین زبان ها در کشورهای مختلف به تبلیغ دین می پرداخت. همچنین متخصص مقارنه ادیان، اسلام و مسیحیت بود و در این راستا کتاب های متعددی نگاشت.

آثار چاپی اش عبارتند از:

قانا الجلیل

صلب المسيح في الأنجيل

المسيح في الانجيل

وعد التوراة لمن؟ قراءة مختلفة

مكانة القدس وحق رعايتها في الأديان السماوية

قراءة في سفر الرؤيا

نبوءات ووقائع

شبهات كاهن

مسائل دينية

محاضرات في التاريخ الإسلامي

القرآن والعهدان

الأديان الكبرى قبل الإسلام

الكفاية في شرح البداية (٢ ج)

أصول العقيدة في القرآن

من ثمرات القرآن (تفسير سورة جمعه)

مقالات في الفكر والدين (٣ ج)

التحفة العملية في المسائل الأصولية (٢ ج)

من الفرق والمذاهب الإسلامية

مدخل إلى علم الكلام

تاريخ الدين

المرأة في اليهودية والمسيحية

الإنجيل في القرآن

الأديان في الشرق القديم

غاية الحكمة في شرح نهاية الحكمة (٥ ج)

مسائل في النكاح

تحفة الدارسين في شرح منهاج الصالحين

مع بابا الأقباط في مغالطاته

وی در ۶۳ سالگی روز یکشنبه ۱۰ بهمن ماه ۱۴۰۰ ش (۲۶ جمادی الثانی ۱۴۴۳ق) درگذشت. پیکرش پس از تشییع باشکوه و نماز آیت الله سید مرتضی مرتضی در قبرستان شهر دیرقانون به خاک سپرده شد.

شیخ احمد حائری (۱۴۴۳-۱۳۸۸ق)

آقای شیخ احمد محمدرضا حائری (خوش حالت) از فضلاء معروف کربلا بود. فقید سعید در روز سه شنبه ۱۷ ربیع الاول سال ۱۳۸۹ق (۱۳ خردادماه ۱۳۴۸ش) در کربلا زاده شد. در سال ۱۴۰۱ق بعد از اعدام دو تن از برادرانش به قم آمد و تحصیل خویش را در محضر حضرات آقایان: مدرس افغانی، سید محمد علی طبسی، شیخ احمد پایانی، سید ضیاء الدین اشکوری و سید کمال حائری آغاز کرد. پس از آن در درس خارج آیت الله سید صادق شیرازی حاضر شد و مبانی علمی اش را استوار کرد. او قدمی راسخ در تألیف و تحقیق داشت و همواره عمر خویش را در کارهای علمی سپری می کرد. پس از سقوط رژیم بعث در سال ۱۳۸۲ به زادگاهش بازگشت و به خدمات علمی، دینی، اقامه جماعت در جامع المنتظر، تألیف و تحقیق پرداخت.

برخی از آثار چاپی اش عبارتند از:

اعلام من کربلاء

الاولئ فی کربلاء

من اعلام الفکر الإسلامی المعاصر فی کربلاء

اعلام من حوزة کربلاء

فاطمة الزهراء میزان المعرفة

مشاهیر الاعلام فی صور

معجم اعلام امامیة خلال نصف القرن (۵ ج)

حیة السید الصادق آل طعمة

حیة الشیخ جعفر الرشتی

حیة العلامة محمدرضا الفحام

الثبت الجدید

مستدرک فهرس التراث

الدرة الحائرية فی الاجازة الأسدية

الثبت الجدید الی طرق الأسانید

آثار تحقیقی اش عبارتند از:

منار الهدی فی الانساب (شیخ محمد حسین اعلمی)

المشاهد المشرفة والوهابیون (شیخ محمد علی سنقری)

حوادث الايام (شیخ جعفر عباس حائری)

بقایا الاطیاب فی الکنی والالقباب (سید محمدرضا حسینی اعرجی)

ضیاء المفازات فی طبقات الاجازات (شیخ آقابزرگ تهرانی)

الاسناد المصنفی (شیخ آقابزرگ تهرانی)

السبیل الجدد فی حلقات السند (شیخ محمدعلی اردو بادی)

آن مرحوم در ۵۵ سالگی در صبح جمعه ۲۹ بهمن ماه ۱۴۰۰ ش (۱۶ رجب ۱۴۴۳ ق) بدرود حیات گفت. پیکرش در روز شنبه پس از تشییع در وادی ایمن به خاک سپرده شد.

اسدی مقدم (۱۳۴۵-۱۴۴۳ ق)

آقای حاج شیخ غلامرضا اسدی مقدم، عالم نامی بشرویه خراسان رضوی بود. فقید سعید در سال ۱۳۰۵ ش (۱۳۴۵ ق) در بشرویه زاده شد. در نوجوانی به مشهد مقدس آمد و ادبیات را نزد ادیب نیشابوری، شیح لمعه را نزد آیت الله سیداحمد مدرس و سطوح عالییه را نزد آیات: میرزا جواد تهرانی، شیخ حبیب الله گلپایگانی، شیخ هاشم قزوینی و شیخ حسنعلی مروارید آموخت. در سال ۱۳۳۲ ش به زادگاهش بازگشت که بر اثر تبلیغات مبلغین بهایی به محل اصلی فعالیت آنان تبدیل شده بود و سابقه آن به تبلیغات ملاحسین بشرویه باز می‌گشت. ایشان به مبارزه بی‌امان با بهائیت و هدایت دینی مردم پرداخت. بر اثر تلاش‌های وی و سخنرانی‌های مداوم دوست همراه و هم‌گامش آیت الله خزعلی ریشه بهائیت کنده شد و برخی از آنان هدایت و برخی متواری شدند. آن مرحوم در طول بیش از نیم قرن فعالیت دینی و اجتماعی خویش منشأ خدمات بسیاری چون: تأسیس مدرسه علمیه و کتابخانه امام امیرالمؤمنین، اقامه جماعت، سخنرانی در مسجد جامع، تدریس و تألیف شد. در طول نهضت اسلامی رهبری مبارزه علیه رژیم شاه را بر عهده گرفت و در این راه بارها بازداشت و تبعید شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در سمت امامت جمعه شهر (۱۳۵۹-۱۳۶۹) خدمات فراوانی انجام داد.

برخی از آثار (چاپی اش) عبارتند از:

من لا یحضره الخطیب (۴ ج)

گلستان معارف (۳ ج)

عاشورا

شفابخش دل‌ها

استغاثه به امام زمان

ما بی صاحب نیستیم

جلوه خورشید (دویتی‌ها درباره امام زمان (عج) و اهل بیت (ع))

آداب الزیاره

بلد الامین

دیوان شعر

آن مرحوم در ۹۵ سالگی در روز جمعه ۲۲ بهمن ماه سال ۱۴۰۰ ش (۹ رجب الخیر ۱۴۴۳ ق) بدرود حیات گفت. پیکرش صبح روز شنبه با شکوه فراوان تشییع و پس از نماز امام جمعه بشرویه حجت الاسلام معلمی در قطعه صالحین گلزار شهدا به خاک سپرده شد.

شرف طبهرستانی (۱۳۵۲-۱۴۴۳ ق)

آقای حاج شیخ ابوالحسن شریف طبهرستانی از علمای نامی تهران بود. وی در سال ۱۳۵۲ ق (۱۳۱۲ ش) در بابل در بیت علم و فضیلت زاده شد. پدرش آیت الله حاج شیخ محمدعلی شریف (م ۱۳۹۶ ق) از شاگردان آیات عظام: حاج شیخ عبدالکریم حائری، میرزای نائینی و سید ابوالحسن اصفهانی و نیایش آیت الله شیخ محسن شریعت طبهرستانی (م ۱۳۶۰ ق) از شاگردان شیخ الشریعه اصفهانی بوده است. تحصیل علوم دینی را نزد پدرش و آیات: شیخ امان الله کریمی و شیخ علی موحد آغاز و در همان زمان بخشی از نهج البلاغه و اشعار منسوب به امیرالمؤمنین را حفظ کرد. در شهریورماه سال ۱۳۲۹ رهسپار تهران شد و مطول را نزد آیات: شیخ محمدعلی لواسانی، حاج میرزا خلیل کمره‌ای، سیدرضی شیرازی، شرح لمعه را نزد آیت الله شیخ حسین کنی، منطق و اصول را نزد دکتر ابوالقاسم گرجی، رسائل را نزد آیت الله شیخ محمدرضا محقق تهرانی آموخت. همچنین کفایه و مکاسب را در محضر استاد شهید مرتضی مطهری، شرح چغمینی، قانون و تشریح الافلاک را نزد آیت الله میرزا ابوالحسن شعرانی، شرح منظومه را نزد آیت الله میرزا مهدی الهی قمشه‌ای و اسفار را نزد آیت الله رفیعی قزوینی و مهدی حائری فراگرفت. اشارات، الهیات شفا، نجات و بخشی از اسفار و شرح فصوص را نیز نزد آیت الله شیخ علی محمد جولستانی و خارج فقه را نزد آیت الله العظمی خوانساری آموخت. سپس همراه با تحصیل در حوزه به دانشکده معقول و منقول رفت و در رشته فلسفه و کلام در محضر آقایان: دکتر محمود شهابی، سید محمد مشکات، شیخ حسینعلی راشد و شیخ محمدعلی حکیم شیرازی به تحصیل پرداخت و با نگارش رساله محکم و متشابه در قرآن در سال ۱۳۴۵ در مقطع دکترا فارغ التحصیل شد. وی سالیان فراوان در مدرسه مروی، مدرسه مجتهدی و دانشگاه امام صادق به تدریس فقه، اصول و فلسفه پرداخت و شاگردان بسیاری تربیت کرد.

آثارش عبارتند از:

محکم و متشابه در قرآن

ریاض الجنان (کشکول)

شرح باب حادی عشر (چاپ شده)

تحفه شریفیه (چاپ شده. برخی از دعاها و مسائل اعتقادی)

تقریرات درس آیت الله شعرانی (شرح تشریح الافلاک)

تقریرات درس آیت الله جولستانی (درس نجات و شفا)

تقریرات درس آیت الله رفیعی قزوینی (کلام و عقاید)

آن مرحوم در ۸۸ سالگی در روز پنجشنبه ۱۴ بهمن ماه سال ۱۴۰۰ ش (اول رجب الخیر ۱۴۴۳ق) بدرود حیات گفت. پیکرش پس از تشییع در روز یکشنبه ۱۷ بهمن ماه و نماز آیت الله محمدباقر تحریری در حرم مطهر حضرت عبدالعظیم (ع) به خاک سپرده شد.

سید محمدتقی حکیم (۱۳۴۵-۱۴۴۳ق)

آقای حاج سید محمدتقی حکیم یکی از علمای نامی تهران بود. فقیه سعید، در روز دوشنبه ۹ آبان ماه سال ۱۳۰۵ ش (۲۴ ربیع الثانی ۱۳۴۵ق) در شوشتر در بیت علم و فضیلت زاده شد. پدرش حجت الاسلام و المسلمین حاج سید احمد حکیم نواده آیت الله العظمی سیدعلی شوشتری (م ۱۲۸۳ق) و جد اعلاش علامه سید نعمت الله جزایری (م ۱۱۲ق) بوده است. وی سیوطی را نزد آیت الله سید محمد کاظم آل طیب فراگرفت. در سال ۱۳۲۱ ش به قم آمد و ادبیات را نزد آیات: شیخ مصطفی عاملی دزفولی، شیخ ابوالقاسم نحوی و استاد شهید مرتضی مطهری آموخت. او این درس ها را با حجت الاسلام شیخ محمدتقی مطهری (برادر شهید مطهری) مباحثه می کرد. در سال ۱۳۲۶ به اهواز رفت و بخشی از سطوح عالی را نزد آیات: شیخ محمد جعفر انصاری و سید محمدتقی آل طیب آموخت. سپس در سال ۱۳۲۹ به نجف اشرف مهاجرت کرد و سطوح عالی را نزد آیات: میرزا حسن یزدی، شیخ مجتبی لنکرانی، شیخ محمدتقی ایروانی و سید عبدالاعلی سبزواری تکمیل کرد. پس از آن در دروس آیات عظام: حکیم و خوئی حاضر شد و بهره های فراوان برد. در سال ۱۳۳۱ به اهواز بازگشت و به تدریس ادبیات، شرح لمعه و شرح منظومه پرداخت. در سال ۱۳۴۰ به تهران رفت و اقامه جماعت مسجد حصار بوعلی (نیاوران) را پذیرفت و حدود ۶۰ سال در آن مسجد به خدمات علمی، دینی، تدریس در دانشگاه و تألیف پرداخت. ایشان در سال های پایانی عمر خویش خانه و کتابخانه نفیس خود را وقف آستان قدس رضوی کرد.

آثار چاپی اش عبارتند از:

پیام پیامبر (ص)

الهام از گفتار علی (ع)

آسمان هدایت: رهنمودهای حضرت علی (ع)

درس هایی از مکتب امام صادق (ع)

سخنان حضرت موسی بن جعفر (ع)

قرآن از زبان قرآن

چگونه قرآن بخوانیم

حقوق و حدود آزادی زن در اسلام

مناسک یا راهنمای اعمال حج

فلسفه و اسرار حج

پدر و فرزند (به انگلیسی ترجمه شده است)

خوردنی ها و آشامیدنی ها از نظر پیشوایان دین و علم

راهنمای تجزیه و ترکیب و قواعد صرف و نحو عربی

زبان عربی

آن مرحوم در ۹۵ سالگی در روز پنجشنبه ۵ اسفندماه سال ۱۴۰۰ ش (۲۲ رجب الخیر ۱۴۴۳ ق) بدرود حیات گفت. پیکرش پس از تشییع در روز شنبه ۷ اسفندماه و نماز آیت الله سیدعلی اصغر هاشمی علیا در امام زاده صالح به خاک آرمید.

مجتهدی نجفی (۱۳۴۲-۱۴۴۳ ق)

آقای حاج شیخ شمس الدین محمد مجتهدی نجفی از علمای نامی تهران بود. معظم له در روز پنجشنبه ۲۷ فروردین ماه سال ۱۳۰۲ ش (۱۵ شعبان ۱۳۴۲ ق) در زنجان در بیت علم و فضیلت زاده شد. پدرش آیت الله شیخ نجم الدین مجتهدی زنجان از شاگردان آیات عظام: حاج شیخ عبدالکریم حائری، میرزای نائینی، آقا ضیاء عراقی و شیخ محمد حسین غروی اصفهانی و نیایش آیت الله شیخ ابوالقاسم مجتهدی از شاگردان آیات عظام: میرزای شیرازی، فاضل شریانی و شیخ محمد حسن مامقانی بود. مادر ایشان نیز صبیبه آیت الله سیدسیف الدین حسینی زنجان بوده است. وی ادبیات و سطوح عالیہ را نزد آیات: پدرش، شیخ حسین دین محمدی، شیخ یحیی صدری و شیخ عبدالکریم خوئینی آموخت. پس از آن به قم آمد و در دروس آیات عظام: بروجردی، سیدمحمد حجت،

سید محمد تقی خوانساری، امام خمینی و علامه طباطبایی حاضر شد و بهره‌های فراوان برد. سپس به نجف اشرف مهاجرت کرد و سالیان بسیار از دروس آیات عظام: حکیم، خوئی، سید عبدالهادی شیرازی، سید محمود شاهرودی، میرزا باقر زنجانی و بیش از همه شیخ محمد حسین کاشف الغطاء بهره برد. پس از آن به تهران آمد و بیش از نیم قرن به تدریس خارج فقه و تفسیر، تألیف و اقامه جماعت در مسجد نبی اکرم واقع در تقاطع خیابان نواب و سیروس پرداخت. وی ادیبی توانمند و شاعری قدرتمند بود و در شعرش «خاضع» تخلص می‌کرد.

آثار چاپی اش عبارتند از:

گفتار شیعه در اصول و فروع

النظر الثاقب و نیل الطالب (تنظیم تعلیقات آیات: شیخ محمد حسین و شیخ احمد کاشف الغطاء بر مکاسب)

فرهنگ اصیل (ادبیات عرب، ۳ ج)

جلوه‌های عشق (بخش اول دیوان اشعار)

نغمه‌های عشق (بخش دوم دیوان اشعار)

تفسیر سوره منافقون

رساله عملیه

مناسک حج (مجتهدی نجفی)

تفسیر آموزشی قرآن

آن مرحوم در ۹۸ سالگی روز شنبه ۷ اسفندماه سال ۱۴۰۰ ش (۲۴ رجب الخیر ۱۴۴۳ ق) بدرود حیات گفت. پیکرش در روز پنجشنبه ۱۲ اسفندماه پس از نماز آیت الله حاج شیخ محمد محقق مرندی در قبرستان بهشت زهرا (س) به خاک سپرده شد.

اکبری مرزناک (۱۴۴۳-۱۳۵۶ق)

آقای حسن اکبری مرزناک یکی از نویسندگان نام‌آشنای تهران بود. فقید سعید در سال ۱۳۱۶ ش / ۱۳۵۶ ق در روستا مرزناک از توابع بابل زاده شد. پس از اخذ دیپلم به دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد رفت و از آنجا فارغ التحصیل شد. وی از نویسندگان و مترجمان مذهبی و انقلابی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی بود و سابقه تدریس در دبیرستان‌های کشور از جمله تهران و مازندران را داشت. او برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و با اوج‌گیری انقلاب اسلامی به خیل یاران امام خمینی (ره) پیوست و در

با گذشت به ایران از چهره‌های فعال در تظاهرات مردمی در شهر بابل و پس از پیروزی انقلاب اسلامی مدیر کل آموزش و پرورش بابل شد.

آثار چاپی اش عبارتند از:

چراغی بر فراز راه

یادنامه‌ای بر سوگ حمزه، سرور شهیدان

ابراهیم قهرمان آزادی و برابری

طلوع راستین زندگی اسلامی

صفای دل (اشعار عرفانی)

حجر بن عدی درخششی در تاریکی

نوح عصیانگری بردبار

جامعه نمونه

اسلام آیین آزادی و برابری

پیامبر و آیین نبرد (ترجمه کتابی از مصطفی طلاس)

محمد پیام آور آزادی (ترجمه کتابی از عبدالرحمن شرفاوی)

جهان اسلام (ترجمه کتابی از محمود شاکر)

اسلام در قفس اتهام (ترجمه کتابی از شوقی ابوخلیل)

وی در ۸۴ سالگی در روز جمعه ۲۹ بهمن ماه سال ۱۴۰۰ ش (۱۶ رجب ۱۴۴۳ ق) بدرود حیات گفت و پیکرش روز یکشنبه در زادگاهش به خاک سپرده شد.